



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۲۹

فردوس

## چه نوع توافقی برای منطقه و جهان امنیت می آورد؟

چانهزنی‌های ایالات متحده برای پایان جنگ افغانستان ادامه دارد. ایالات متحده شاید به این نتیجه رسیده است که از طریق مذاکره و توافق سیاسی با طالبان می‌تواند منافع امنیتی‌اش را در این بخش از جهان تامین کند. زلمی خلیل‌زاد نماینده خاص امریکا برای پایان جنگ افغانستان در تلاش است تا کشورش در قدم اول با طالبان و نهاد های حامی طالبان در پاکستان به توافق برسد و بعد این توافق را به افغانستان بسط دهد و زمینه گفت‌وگو میان طالبان، کابل و نیروهای سیاسی عمده افغانستان را فراهم سازد تا این نیروها بتوانند روی یک نظم جدید سیاسی توافق کنند. ظاهراً اداره دونالد ترامپ هم می‌خواهد که در سیاست خارجی و امنیتی‌اش دست‌آوردهای ملموس داشته باشد تا این دست آورد ها را در انتخابات ۲۰۲۰ برای رأی‌دهندگان امریکائی بفروشد. البته در داخل کشور هم کسی با اصل مذاکره با طالبان و پایان جنگ از طریق یافتن راهحل سیاسی مشکلی ندارد.

مذاکره با طالبان و توافق با آنان از سال ۲۰۰۸ به این سو به صورت جدی مطرح شده است. هم حکومت حامد کرزی و هم حکومت اشرف غنی تلاش کردند که طالبان را هم بخشی از روند پس از بن بسازند. تلاش ها در گذشته متمرکز بر این بود که طالبان نظم سیاسی مبتنی بر قانون اساسی موجود افغانستان را بپذیرند از یک گروه شبهنظامی شورشی به یک حزب سیاسی بدل شوند، تشکیلات نظامی‌شان را لغو کنند و در سیاست رقابتی سهم بگیرند. اما این تلاش‌ها ناکام ماند. جبهه حکمتیار قانون اساسی افغانستان را پذیرفت، خشونت را کنار گذاشت و در میدان سیاست رقابتی افغانستان وارد شد، اما طالبان این الگو را قبول نکردند.

طالبان نه قانون اساسی افغانستان را به رسمیت می‌شناسند و نه نهاد دولت را مشروع می‌دانند. آنان در نشست پگواش و چانهزنی‌هایی که برای پایان جنگ انجام شده است گفته اند که در قدم اول باید قانون اساسی افغانستان و حکومت مبتنی بر قانون اساسی لغو شود. نماینده‌گان گروه طالبان در نشست مسکو اعلام کردند که قانون اساسی افغانستان مانع پایان جنگ است. آنان ظاهراً می‌خواهند یک حکومت مؤقت در قدم اول بیاید و بعد تمام جریان‌های سیاسی به شمول طالبان روی یک قانون اساسی نو و نظم سیاسی جدید توافق کنند.

اما اگر به همین شیوه هم عمل شود و نیروهای ناتو بیرون شوند، روشن نیست که در پایان کار چه چیزی حاصل می‌شود. آیا طالبان حاضر خواهند بود تشکیلات نظامی‌شان را لغو کنند، یا این تشکیلات را در مناطق معین در شمال و جنوب حفظ خواهند کرد؟ اگر تشکیلات نظامی طالبان در برخی از مناطق جنوبی و شمالی حفظ شود، این امر تبعاتی دارد که شاید در حال حاضر به ذهن کسی نرسد. حضور نظامی طالبان در برخی از مناطق سبب می‌شود که متحدان خارجی این گروه که با آنان سنخیت ایدئولوژیک دارند، نیز در این مناطق باقی بمانند. سمیع سادات یکی از مقام های پیشین امنیت ملی کشور در چهارمین نشست گفت‌وگوهای امنیتی افغانستان و هند در انستیتوت مطالعات ستراتژیک افغانستان گفت شاخه شبه قاره هند القاعده با طالبان روابط سازمان یافته دارد. او گفت که حتا حمزه بن‌لادن پسر بن‌لادن هم با رهبران طالبان رابطه دارد و گاهی به مناطق زیر سلطه طالبان در افغانستان می‌آید. حضور مقطعی حمزه بن‌لادن در خاک افغانستان را اعضای خانواده اسامه بن‌لادن در گفت‌وگو با گاردین هم تأیید کرده بودند.

در صورتی که طالبان پس از یک توافق احتمالی پایان جنگ، تشکیلات نظامی‌شان را در برخی از مناطق شمال یا جنوب حفظ کنند، هیچ بعید نیست که حمزه بن‌لادن و شاخه جنوب آسیای القاعده در آن مناطق فعال شوند. در حال حاضر رهبران القاعده در خفا به سر می‌برند. اگر آنان بار دیگر در قلمروی مستقر شوند که در تیررس نیروهای امریکائی نباشند، تشکیلات و شبکه‌های‌شان را فعال خواهند کرد. وقتی این تشکیلات و شبکه‌ها مثلاً در جنوب

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

افغانستان فعال شود، هم امنیت هند به خطر خواهد افتاد و هم مشکلات امنیتی برای امریکا و متحدانش ایجاد خواهد شد. در آن وضعیت هیچ بعید نیست علم جهادیسیم جهانی بار دیگر به دست القاعده بیافتد.

گروه داعش قلمرو خود را از دست داده است. این گروه با اعلام خلافت و نفی ناسیونالیسم، حمایت بسیاری از شبکه ها و افراد اسلامگرای تندرو را به دست آورد، اما موضع گیری فرقه‌گرایانه و خشن داعش، سبب شد که هیچ یک از شاخه های القاعده با رهبر داعش بیعت نکنند. حال که خلافت داعش دیگر وجود ندارد، احتمال آن زیاد است که القاعده بار دیگر رهبری جهادیسیم جهانی ضد امریکا را به دوش بگیرد. روشن است که رهبران شبکه القاعده در محیطی که در تیررس نیروهای امریکایی نباشد، به راحتی می‌توانند حمله‌های تروریستی را به منافع امریکا و متحدانش سازمان‌دهی کنند.

از طرف دیگر طالبان با اسلامگرایان اوزبیک نیز رابطه دارند. اسلامگرایان ترک‌تبار آسیای میانه‌ای در صفوف طالبان حضور دارند و دوشادوش آنان می‌جنگند. هیچ بعید نیست که در صورت حفظ تشکیلات نظامی طالبان در شمال، جنگجویان اوزبیک بر ضد اوزبیکستان و منافع روسیه اقدام کنند. در صورتی که آنان حمله های انتحاری را به قلمرو اوزبیکستان انجام دهند، تمام پروژه‌های عمرانی و آبادانی حکومت شوکت میر ضیایوف مختل می‌شود. در چنین وضعیتی افغانستان نه با خودش در صلح خواهد بود، نه با منطقه و نه با جهان. در آن وضعیت قدرت های منطقه‌ای، نیروهای سیاسی و شبه نظامیان ضد طالبان را حمایت خواهند کرد و جنگ بار دیگر آغاز خواهد شد.

در حال حاضر طالبان شاید به تمام کشورهای جهان بگویند که آنان رابطه خودشان را با اسلامگرایان منطقه‌ای و جهادیسیم جهانی قطع می‌کنند، اگر بخشی از اهداف ایدیولوژیک آنان در قلمرو افغانستان برآورده شود. اما حتی اگر رهبران طالبان هم یک سند رسمی امضاء کنند و چنین چیزی را تضمین بدهند، عملی شدن آن سخت مورد تردید است. وقتی تشکیلات نظامی طالبان در برخی از ولسوالی‌ها فعال باشد و قوای نظامی رسمی افغانستان و قوای بین‌المللی در آن حضور نداشته باشند، جهادیسیم منطقه‌ای و جهانی در آن مناطق فعال خواهد شد. سمیع سادات مقام پیشین امنیت ملی افغانستان در چهارمین نشست گفت‌وگوهای امنیتی افغانستان و هند در انستیتوت مطالعات ستراتژیک افغانستان گفت که همین حالا هم نیروهای شاخه جنوب آسیای القاعده در غزنی و برخی از ولایات دیگر دوشادوش طالبان می‌جنگند. رهبران طالبان هیچ تفاوت فکری با رهبران القاعده و شبکه های جهادستی منطقه‌ای ندارند. اتحاد طالبان و القاعده مبنای ایدیولوژیک دارد و این امر به هیچ وجه یک تصادف نیست. شاید رهبران طالبان در مذاکره با امریکا یا روی کاغذ وعده بدهند که جهادیسیم جهانی و منطقه‌ای را قبول ندارند، اما وعده لفظی و امضاء روی کاغذ سنخیت ایدیولوژیک طالبان و القاعده را از بین نمی‌برد.

راه حلی که افغانستان، منطقه و جهان را از ناحیه خطر جهادیسیم جهانی مصون می‌سازد این است که طالبان تشکیلات نظامی‌شان را لغو کنند، در هیچ منطقه‌ای تشکیلات نظامی آنان فعال نباشد، سلاح های آنان در اختیار قوای امنیتی افغانستان قرار بگیرد، این گروه به یک حزب سیاسی بدل شود و همکاری های ستراتژیک امنیتی افغانستان، امریکا و ناتو ادامه یابد. این همکاری ها باید حتی از روابط سیاسی کشورها متأثر نشود.

پایان

با تشکر از روزنامه ۸صبح